

درس‌هایی از جنگ دو روزه‌ی غزه

حسن توکلی

در حالی که تیمی از ارتش رژیم صهیونیستی با یک حمله‌ی کماندویی مشغول نفوذ به داخل نوار غزه بودند، پس از مواجهه با مقاومت گروه‌های فلسطینی پس از برجا گذاشتن تلفاتی با کمک نیروی هوایی از منطقه می‌گریزند. سپس برای از بین بردن تجهیزات و مدارک به جا مانده منطقه را به شدت بمباران کردند که در پی آن هفت تن از مبارزان فلسطینی به شهادت رسیدند و در ضمن درگیری همچنین یک افسر صهیونیست هم کشته شد. شکست این عملیات موجب شد که نتانیاها سفر خود به پاریس را نیمه‌تمام رها کرده به سرزمین‌های اشغالی بازگردد. چراکه هدف از اجرای عملیات به احتمال زیاد اسیر کردن تعدادی از فرماندهان رده-بالای گروه‌های فلسطینی بوده است. راهبردی که این روزها برای امپریالیست‌ها مد شده است و می‌توان خطوط کلی آن را در مواضع ترامپ تشخیص داد. مواضعی همچون انتقال پایتخت آمریکا از تل‌آویو به بیت‌المقدس و به رسمیت شناختن آن به عنوان پایتخت اسرائیل، همچنین با همراهی نشان دادن با نتانیاها برای الحاق شهرک‌های صهیونیست‌نشین به خاک اسرائیل و ...

اگر راستش را بخواهید دیگر نمی‌خواهم با ارائه‌ی تاریخچه‌ی بدعهدی‌های صهیونیست‌ها و سرمایه‌داری جهانی اثبات کنم که به این امپریالیست‌ها نمی‌شود اعتماد کرد چرا که دیگر مدت‌هاست که کار از این حرف‌ها گذشته است. در چنین شرایطی اگر بخواهی همچون محمدجواد ظریف دوره بگردی و درصدد اثبات این باشی که از طرف مقابل صداقت بیشتری داری، احمقانه‌ترین کار ممکن را انجام داده‌ای. در عوض نبرد غزه راه مقابله با دکترین اعمال زور ترامپ و نتانیاها را به کسانی نشان داد که واقعاً درصدد مقابله با این جریان‌اند.

منطق این روزهای سرمایه چنین است: «آن قدر فشار بیاور تا طرف مقابل تسلیم شود و پای میز مذاکره بنشیند.» البته بدیهی است که در این صورت هرگونه ذلتی را می‌توان به او حقه کرد چرا که طرفِ ضعیفی که این شرایط را بپذیرد دیگر عزت‌نفس لازم برای دفاع از منافع خود را ندارد. یک درس مهم نبرد دو روزه غزه پایداری در برابر دکتترین فاشیستی و ضدانسانی ترامپ در منازعات بین‌المللی بود. رئیس‌جمهور آمریکا که این اواخر دیگر لزومی نمی‌دید که حتی برای گول‌زدن طرف فلسطینی هم که شده مواضع دل‌خوش‌کننده‌ی رؤسای جمهور قبلی را تکرار کند، با راهبرد اعمال حداکثر فشار بر طرف فلسطینی برای پذیرش «معامله‌ی قرن» به میدان آمد ولی تصور این را هم نمی‌کرد که مشتی اهالی فاقد قدرت مالی و تسلیحاتی بتوانند در مقابل رژیم مقاومت کنند که مورد حمایت همه‌جانبه‌ی او و اسلافش بوده است. هرچه باشد آغاز و قوام رژیم صهیونیستی هم‌زمان است با عروج امپریالیسم آمریکا به‌عنوان پیش‌برنده‌ی اعظم منطق سرمایه در این روزگار. از این‌رو موجودیت رژیم صهیونیستی از همان ابتدا با امپریالیسم آمریکا گره خورده است و نابودی هر یک از آن‌ها متناظر با نابودی دیگری است. پس نمی‌توان بدون مبارزه با یکی از آن‌ها درصدد مقابله با دیگری بود. این‌جا است که در نظر گرفتن این پایگاه آمریکایی برای پیشبرد مقاصد امپریالیستی به‌عنوان کشوری متعارف اشتباه است. موجودیت رژیم صهیونیستی عبارت است از به‌کارگیری تمامی وسایل همچون ترور و کشتار مردم منطقه و ... برای پاس‌داشت منطق سرمایه در عصر حاضر. رژیم صهیونیستی از این جهت واجد موجودیتی وام‌دار امپریالیسم است و در بطن خود نمی‌تواند کشوری متعارف شود و نیز از این رو است که استدلال هواداران راهبرد «ایجاد دو کشور» به زیان مردم منطقه تمام می‌شود. چرا که اولین قدم در راه ایجاد صلح و آرامش در منطقه برچیدن این به اصطلاح کشور اسرائیل است که شایسته است برای نامیدن آن از همان لفظ رژیم صهیونیستی استفاده کنیم.

اهالی غزه با مقاومت قهرمانانه‌ی خود نه‌تنها نتانیاها و دکتترین ترامپ را با شکست روبه‌رو کردند بلکه رسوایی لیبرال‌دموکراسی با تمام ادعاهایش در هواداری از آزادی را به جهانیان نمایاندند. آن‌جا که یک بار دیگر دولت مردان لیبرال علی‌رغم غرولندهای همیشگی خود پشت

ترامپ و نتانیاهو صف کشیدند و در حالی که دفاع مشروع مبارزان فلسطینی را محکوم می- کردند به ظاهر خواهان خویشتن‌داری جنایت‌کاران صهیونیست شدند. آنجا بود که به پای سیر تطور منطق سرمایه مهر تأیید می‌زدند. منطقی که دیگر بدون رودربایستی و با اتکا به قدرت نظامی و رسانه‌ای پیش می‌رود. از این رو است که رژیم صهیونیستی نمی‌تواند در هیچ موردی با دولت خودگردان که همه‌جوره آماده‌ی مذاکره است به توافق برسد و نیز از همین- رو است که اعلام رسمی مفاد «معامله‌ی قرن» بارها به تعویق افتاده است. معامله‌ای که مفاد آن هرچه باشد از همین حالا آن‌قدر متضاحانه است که امپریالیست‌ها نتوانسته‌اند هیچ شریک فلسطینی بیابند که به نمایندگی از ملت فلسطین حاضر به امضای آن باشد. در واقع این خود صهیونیست‌ها هستند که هیچ رقبتی برای صلح با فلسطینی‌ها ندارند. آن‌ها بودند که علی‌رغم آمادگی کامل دولت خودگردان مذاکرات صلح را از سال ۲۰۱۴ عملاً رها کرده‌اند. درس بزرگ نبرد غزه برای اهالی فلسطین اثبات حقانیت مبارزه و عداوت با دشمن صهیونیست به- عنوان تنها راه احقاق حقوق قانونی فلسطینی‌ها بود چراکه سیر وقایع تاریخی ثابت کرده است که هرگونه تساهل و تسامح با صهیونیست‌ها چه زیان‌هایی برای مردم منطقه به بار آورده است. با اوضاع فعلی و عیان‌شدن چهره‌ی کریه لیبرال‌دموکراسی و ظهور ثمره‌های منطقی آن در کسوت چهره‌هایی همچون ترامپ و نتانیاهو، امید بستن به انعقاد توافقی که بخواهد منافع طرف ضعیف را تأمین کند از خرد به‌دور است. البته اگر طرف قوی‌تر تمایلی به عقد قرارداد از خود نشان بدهد و گرنه برای رسیدن به صلحی سریع و پرمفعت با طرف فلسطینی چه راهی بهتر از مذاکره با محمود عباس.

بزرگترین دستاورد جنگ غزه برای فلسطینی‌ها بی‌گمان احیای غرور و عزت ملی آنان بود. عزتی که پس از توافق اسلو و پذیرش شروط قدرت‌های امپریالیستی مخدوش شده بود همراه با تحمیل شروطی از سوی صهیونیست‌ها که لطمات جبران‌ناپذیری بر هویت فلسطینی وارد کرد و آن‌ها را از داشتن نهادی جامع که یکپارچگی ملت فلسطین را حفظ کند محروم کرد.

مدت‌ها بود که صهیونیست‌ها غره از توانایی‌های دفاعی و نظامی خود تصور این را که اعراب و به‌طور کلی مسلمین بتوانند به منافع آن‌ها ضربه بزنند به ذهن خود راه نمی‌دادند. از این‌رو بود که در ساعات اولیه نبرد افرادی که به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کردند مجروحین جسمی حملات راکتی فلسطینی‌ها نبودند بلکه کسانی بودند که این حملات برای شان شوک روانی به ارمغان آورده بود. به گفته‌ی صهیونیست‌ها این شوک روانی زندگی مردم شهر اشکلون را فلج کرده است چرا که فلسطینی‌ها در پاسخ به عملیاتی که صهیونیست‌ها از این شهر پایه‌گذاری کرده بودند بیشتر موشک‌های خود را به این شهر زدند. تصور کنید ترومای صهیونیست‌های دوآتشی ساکن این شهر را که تا دیروز به دیده‌ی تحقیر به فلسطینی‌ها می‌نگریستند و اکنون مانند زندانیان ۴۸ ساعت در پناهگاه‌ها بر خود می‌لرزیدند و مقایسه کنید این وضعیت را با شرایط جنگ قبلی که در طول آن صهیونیست‌ها از بالای تپه‌های مشرف به غزه با غروری آمیخته با شادمانی بمباران اهالی بی‌دفاع را به تماشا می‌نشستند.

حجم خسارات وارد آمده بر صهیونیست‌ها طی دو روز نبرد به اعتراف خودشان چنین است: چهار نفر کشته و یک‌صد و چهل تن دیگر زخمی شدند. در شهرک اشدود ۱۶۶ ساختمان و ۵۰ خودرو آسیب دیدند. در شهرک عسقلان ۱۸۲ ساختمان و ۵۰ خودرو و در شهرک‌های کریات-گات و سویروت ۱۲۰ ساختمان و ده‌ها خودرو دچار خسارت شدند.

چنین حجمی از خسارت برای مسئولان و شهروندان رژیم صهیونیستی آن‌قدر غیرمنتظره و ناباورانه بود که بلافاصله تمامی تلاش خود را صرف برقراری آتش‌بس کردند. با بررسی تاریخ منطقه درمی‌یابیم که این توافق‌نامه برای صهیونیست‌ها به‌راستی خفت‌بار بود. طبق مفاد آتش‌بس، رژیم صهیونیستی باید تفاهمات عقب‌افتاده‌ی قبلی را همچون تعهد به افزایش سوخت وارد شده به نیروگاه‌های برق غزه به‌منظور افزایش برق تولیدشده و افزایش ساعات دسترسی اهالی غزه به برق، همچنین افزایش محدوده‌ی ماهی‌گیری آنان به ۱۵ مایل و نیز تسهیل ورود و خروج کالاهای ضروری در گذرگاه‌ها را به سرعت اجرا می‌کرد. توافق همچنین شامل عدم تیراندازی به تظاهرکنندگان در راهپیمایی‌های حق بازگشت می‌شود. در

صورت نقض این بند مبارزان فلسطینی می‌توانند علیه تمامی اهداف صهیونیست‌ها تیراندازی کنند.

مسأله‌ی دیگری که بر روی آن توافق صورت گرفته عبارت است از توقف ترورها چه علیه رهبران و چه علیه فعالان سیاسی و نظامی گروه‌های فلسطینی. همچنین در اقدامی بی‌سابقه برای اولین بار شرط گذاشته شد که این توافق درباره‌ی ساکنان کرانه‌ی باختری و قدس اشغالی هم اجرا شود و تسهیلاتی هم برای اسرای فلسطینی فراهم شود.

درس دیگر نبرد غزه اتکا بر توانایی‌های خود و عدم خودباختگی در برابر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عظیم رژیم صهیونیستی بود. شکست رسانه‌ای این رژیم از حماس در جنگ اخیر نمونه‌ای از این عدم خودباختگی بود آن هم در شرایط برتری مطلق امپریالیست‌ها بر شبکه‌های ارتباط جمعی که معمولاً جنایات انجام شده توسط خود را مسکوت می‌گذارند. نمونه‌ی این سکوت سازمان‌یافته را می‌توان در مورد راهپیمایی بازگشت فلسطینی‌ها دید که تا کنون جان بیش از ۲۵۰ تن از آن‌ها گرفته شده است و شمار بسیاری زخمی شده‌اند؛ نمونه رسواتر جنگ یمن است و اجرای کودتا در ونزوئلا و ...

اما این بار رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی رسانه‌ای هم شکست سختی از مبارزان فلسطینی خورد تا آن‌جا که این بار تأسیسات رادیویی و تلویزیونی مستقر در غزه در چندین نوبت بمباران شد. ماجرا از این قرار بود که حماس در خلال جنگ با پخش تصاویر صهیونیست‌های دست‌اندر کار عملیات و عوامل اطلاعاتی مرتبط با آن‌ها ضربه‌ی حیثیتی سنگینی به سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی وارد آورد. آن‌ها نیز در مواجهه با این اقدام از رسانه‌ها و تمامی ساکنان اشغالگر خود خواستند که از انتشار این تصاویر جلوگیری کنند.

درس دیگری که جنگ دو روزه غزه به همراه داشت این بود که اهمیت وحدت عمل و همدلی برای مقابله با دشمن برای گروه‌های فلسطینی و همچنین تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه

میان آنها آشکار شد. البته برای وحدت عمل این گروه‌ها هنوز مشکلاتی هست که باید برطرف شود ولی نباید گام بلند آنها برای نیل به این مقصود را که در توافق‌نامه‌ی آتش‌بس منعکس شده، نادیده گرفت. در توافق‌نامه‌ی آتش‌بس این بار گروه‌های فلسطینی خواهان اجرای بندهای توافق‌نامه نه تنها در نوار غزه، بلکه در مناطق زیر نفوذ دولت خودگردان شده‌اند که نشانه‌ی تعمیق نگرش آنها نسبت به مبارزه با دشمن است. از این پس گروه‌های مبارز فلسطینی باید با درکی بالا به خودشناسی و دشمن‌شناسی بپردازند. درخصوص نیل به این هدف مخاطراتی وجود دارد از جمله این که باید اذعان کرد که در درون جنبش حماس گرایشات متفاوتی وجود دارد که در بیشتر مواقع از انسجام تشکیلاتی برای مواجهه با دشمن صهیونیست می‌کاهد. در حالی که نوك تیز حملات صهیونیست‌ها متوجه فرماندهانی است که با این رژیم خصومت عمیق داشته و خواستار مبارزه‌ی دامنه‌دار با این رژیم‌اند، نسبت به طیفی از رهبران حماس که بیش از بقیه تحت تأثیر جنبش اخوان‌المسلمین‌اند و مواضع آشتی‌جویانه‌تری هم دارند، مباحثات نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال در حالی که صهیونیست‌ها یکی از فرماندهان گردان‌های عزالدین قسام به نام «حامد خضری» را به‌عنوان مسئول انتقال کمک‌های مالی ایران به غزه ترور کردند، مانع کمک‌های قطر به غزه نمی‌شوند تا جایی که حتی با وجود نبرد، کمک مالی قطر و تأمین حقوق کارمندان غزه از طریق این کشور ادامه داشت. لازم به ذکر است که قطر نقش مهمی در توافق به‌دست آمده و میانجی‌گری میان طرف‌های درگیر ایفا کرد.

در این میان بسیاری از گروه‌های مقاومت از جمله چپ‌ها خواهان ادامه‌ی جنگ هستند چرا که تشخیص‌شان این است که دشمن در این مرحله بسیار آسیب‌پذیر است و رها کردن مبارزه در این مرحله درست نیست. البته در موضع‌گیری چپ‌ها در مورد قرارداد آتش‌بس و کلاً موضع آنها ابهاماتی به چشم می‌خورد. از آن جمله جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل در حالی حماس را برای امضای قرارداد آتش‌بس مورد شمات قرار می‌دهد که در همان حال از تلاش‌های دولت مصر برای پایان دادن به چنددستگی میان گروه‌های فلسطینی قدردانی می‌کند. این موضع‌گیری درباره‌ی نقش مصر حقایقی را نادیده می‌گیرد: درست است که مصر در این جنگ به میانجی‌گری پرداخته ولی این میانجی‌گری با درخواست‌های مکرر

رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. دولت مصر با همکاری رژیم صهیونیستی اهالی غزه را تحت فشار قرار داده است. این موضوع اظهار من الشمس است. اما مسأله‌ی دیگری هم که بر کسی پوشیده نیست این است که دولت مصر با برقراری رابطه‌ی قوی با تشکیلات خودگردان در راه عادی شدن روابط با حماس سنگ‌اندازی می‌کند. باید این موضوع را مد نظر داشت که در حالی که دشمنی دولت مصر با حماس بر کسی پوشیده نیست. نزدیکی‌های اخیر جبهه‌ی خلق به مصر در روند هم‌گرایی با دیگر گروه‌های فلسطینی مخصوصاً حماس مشکل ایجاد می‌کند. در واقع عدم شناخت ماهیت دولت مصر در این برهه ممکن است منجر به انحرافات در چپ‌ها شود، چرا که دولت سوسی با اقدامات خود پرچم مبارزه با اسلام‌گرایی را برافراشته است و در چشم اعراب به مثابه نماد سکولاریسم مطرح است. چپ‌های فلسطینی که از اسلام‌گرایی افراطی حماس و جهاد اسلامی منزع‌زده شدند در دام این سکولاریسم بیفتند که روی دیگر جنبش وهابی‌گری سعودی است. چپ‌های فلسطینی باید این مسأله را درک کنند که متحدان آنان در مسیر مبارزه با دشمن جنبش‌هایی هستند که خواهان نابودی پایگاه امپریالیسم در منطقه یعنی کشور جعلی اسرائیل‌اند. آن سکولارهایی که در این مرحله‌ی خطیر به‌جای مبارزه با رژیم صهیونیستی مبارزه با اسلام‌گرایی را تجویز می‌کنند، در راستای منافع امپریالیست‌ها عمل می‌کنند؛ چراکه با شکست اخیر رژیم صهیونیستی بر همگان مسجل شد که حمله‌ی نظامی و رویارویی مستقیم با گروه‌های مقاومت منطقه می‌تواند چه نتایج مصیبت‌باری برایش به بار آورد. از این رو بخش عمده‌ای از راه‌بردی که امپریالیست‌ها از این به بعد در منطقه خواهند گرفت شامل ایجاد اختلاف میان گروه‌های مبارز فلسطینی خواهد بود تا با ایجاد اختلاف میان‌شان، آن‌ها را دچار جنگ داخلی کنند. تا اینجای کار با همراهی قسمتی از نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین با خواست‌های خود مبنی بر مبارزه با اسلام‌گرایی و به رسمیت شناختن کشور اسرائیل تا حدودی موفق بوده‌اند. اکنون زمان آن فرا رسیده است که گروه‌های فلسطینی با زدودن اختلافات میان خود و متحدشدن ذیل هدف نابودی رژیم صهیونیستی نقشه امپریالیسم‌ها را نقش بر آب کنند.